

## زیستن یک زندگی خداگونه

مطالعه متون مقدس: امثال ۲۹: ۱۸؛ ۲۳: ۲۰؛ ۲۷: ۴؛ ۲۳: ۱۰؛ ۱۲: ۱۰؛ ۱۷: ۹

۱. «آنجا که رؤیا [بینش] نباشد، مردم افسارگسیخته می‌شوند» - امثال ۲۹: ۱۸ آ:
- آ. «بینش» در کتاب مقدس دلالت دارد بر یک صحنه خارق‌العاده؛ بینش به نوعی بخصوص از دیدن اشاره دارد - یک دیدن پر جلال درونی - و نیز اشاره دارد به صحنه روحانی که ما از جانب خدا می‌بینیم - حزقیال ۱: ۱، ۴-۲۸؛ دانیال ۷: ۱، ۹-۱۰، ۱۳-۱۴.
- ب. برای اینکه بینش داشته باشیم، ما باید دارای مکاشفه، نور و بینایی باشیم - افسسیان ۱: ۱۷-۱۸ آ.
- پ. مکاشفه آسمانی، ما را حکمرانی، محدود، کنترل، هدایت، راهنمایی، حفظ و منقلب کرده، در یگانگی نگه می‌دارد، و به ما شهامت پیش‌رفتن می‌دهد - امثال ۲۹: ۱۸ آ.
- ت. وقتی که ما این بینش را ببینیم، کل وجودمان چرخشی درونی داشته، و فکر، برداشت و طرز برخورد ما تغییر خواهد کرد.
- ث. بینش آسمانی ما را انگیزش و انرژی داده، حفظ می‌کند، استقامت می‌دهد و به حرکت به‌روز خداوند درآورده، باعث می‌شود که زندگی ما پر معنا و با هدف باشد - عبرانیان ۱: ۸؛ ۱۲: ۱-۲؛ افسسیان ۱: ۱۱؛ ۳: ۱۰؛ ۱۰: ۱؛ ۹: ۳؛ ۱۰: ۱؛ مکاشفه ۱: ۹؛ ۳: ۱۰.
- ج. هرکه خداوند را خدمت می‌کند باید شخصی با بینش باشد؛ آن بینش درونی، راه ما در خدمت خداوند را منقلب می‌کند - اعمال ۲۶: ۱۳-۱۹؛ رومیان ۱: ۹.
- چ. ما تحت بینش آسمانی، به سوی مقصد خدا هدایت می‌شویم و زندگی ما بر طبق اقتصاد خدا کنترل می‌شود - فیلیپیان ۳: ۱۳-۱۴؛ اول تیموتائوس ۱: ۴.
- ح. بینش حاکم در کتاب مقدس، خدای سه‌یکتاست که خود را در مردم برگزیده و بازخرید-شده‌اش بکار می‌برد تا برای تولید و بناسازی بدن مسیح که در اورشلیم نو تکمیل می‌شود، کل وجودشان را با تثلیث الهی اشباع کند - افسسیان ۴: ۴-۶؛ مکاشفه ۲: ۲۱، ۹-۱۰.
۲. «حقیقت را بخر و هرگز آن را بفروش» - امثال ۲۳: ۲۳ آ:
- آ. حقیقت چیزی است که ما باید آن را بخریم، چیزی که بهایی دارد:
۱. خریدن مستلزم پرداخت بهاست.
۲. ما اگر بخواهیم خداوند را خشنود کرده و برای حقیقت بایستیم، باید بها را پردازیم - م. ش. مکاشفه ۳: ۱۸.
۳. اگر قلب ما آماده دریافت عشق حقیقت بوده و به هر بهایی حقیقت را خریداری کند، ما سعادت‌مند خواهیم شد - دوم تسالونیکیان ۲: ۱۰-۱۱؛ امثال ۲۳: ۲۳.
- ب. حقیقت الهی مطلق است، و ما باید نسبت به حقیقت مطلق باشیم و از مطلق بودن حقیقت حمایت کنیم - یوحنا ۱۴: ۶؛ ۱۸: ۳۷؛ سوم یوحنا ۳-۴، ۸:
۱. مطلق بودن نسبت به حقیقت، به معنای کنار گذاشتن احساساتمان، نادیده گرفتن روابط شخصیمان، و انکار نفسمان است - متی ۱۶: ۲۴-۲۵؛ اول پطرس ۱: ۲۲.
۲. حقیقت، یگانه معیار است و ما باید در جانب حقیقت بایستیم تا بر ضد خود باشیم؛ مطلق بودن نسبت به حقیقت فقط وقتی ممکن است که ما از خودمان رها شویم - یوحنا ۸: ۳۲؛ دوم یوحنا ۲؛ سوم یوحنا ۳-۴.
۳. ما باید حقیقت خدا را حرمت نهمیم، راه حقیقت را بگیریم، و به هیچ وجه حقیقت را مورد اهانت قرار ندهیم - دوم پطرس ۲: ۲
- پ. به جهت تکمیل اقتصاد الهی، ما باید برای حقیقت کنونی مطلق باشیم - ۱: ۱۲:

۱. حقیقت کنونی، آن حقیقت نزد ایمانداران است که آن را یافته و در آن استوارند - آ. ۱۲.
۲. حقیقت کنونی شامل مکاشفه اقتصاد جاودان خدا (افسسیان ۱۰: ۱؛ ۳: ۹)، تثلیث الهی (دوم قرن‌تین ۱۳: ۱۴؛ مکاشفه ۱: ۴-۵)، شخص و کار مسیح شامل تمام (کولسیان ۲: ۹، ۳: ۱۱)، روح حیات بخش کامل (یوحنا ۷: ۳۹؛ اول قرن‌تین ۱۵: ۴۵؛ مکاشفه ۲۲: ۱۷)، حیات جاودان خدا (یوحنا ۳: ۱۵-۱۶)، کلیسا به عنوان بدن مسیح (افسسیان ۱: ۲۲-۲۳)، و اورشلیم نو (مکاشفه ۲: ۲۱، ۱۰-۱۱) است.
۳. حقیقت کنونی شامل اوج مکاشفه الهی است - همان مکاشفه که خدا انسان شد تا انسان بتواند در حیات و ذات اما نه در هستی خدا، خدا شود - برای تولید و بناسازی بدن زنده مسیح به جهت تحقق اقتصاد خدا برای پایان دادن به این عصر و بازآوردن مسیح تا پادشاهی خود را مستقر کند - یوحنا ۱: ۱۲-۱۴؛ اول یوحنا ۳: ۱-۲؛ رومیان ۸: ۳؛ ۱: ۳-۴؛ ۱۲: ۴-۵؛ مکاشفه ۱۱: ۱۵.

### ۳. «روح انسان چراغ خداوند است / که اعماق وجود او را می‌کاود» - امثال ۲۰: ۲۷:

- آ. روح انسان چراغ خدا در درون انسان است - متی ۲۵: ۱:
۱. آن نوری که در روح تولد تازه یافته انسان می‌درخشد خود خداست - اول یوحنا ۱: ۵.
۲. همانگونه که چراغ حاوی نور بوده و آن را ابراز می‌کند، روح انسان خلق شده تا حاوی خدا بوده و او را ابراز کند.
۳. برای اینکه نور الهی بر بخشهای باطنی انسان بتابد، روح خدا به عنوان روغن باید روح انسان به عنوان فتیله را آغشته سازد (با آن در هم آمیزد) و به همراه روح انسان «شعله‌ور» باشد - رومیان ۸: ۱۶، ۱۲: ۱۱.

۴. اگر ما به تابش روح واکنش نشان دهیم، بر طبق روح گام برخواییم داشت - ۸: ۴.
- ب. روح خدا همچون یک چراغ است، با درخششی هفت برابر شدت یافته - مکاشفه ۴: ۵:
۱. روح تولد تازه یافته ما چراغی است که روح خدا، که نیز یک چراغ است، در آن ساکن می‌باشد.
۲. روح انسان و روح خدا هر دو چراغ هستند که باهم بخش‌های باطنی را روشن می‌کنند - امثال ۲۰: ۲۷؛ مکاشفه ۴: ۵.
۳. روح می‌خواهد که هر بخش از روان ما را روشن کند.
- پ. وقتی که ما روح خود را بکار می‌بریم تا به طور مناسب دعا کنیم، چراغ روشن می‌شود - افسسیان ۶: ۱۸؛ ۱: ۱۷-۱۸؛ ۵: ۸-۹:

۱. همانطور که دعا می‌کنیم، روحمان چون چراغی روشن عمل می‌کند تا تمام بخش‌های روانمان را کاوش کند - امثال ۲۰: ۲۷.

۲. هر چه بیشتر روحمان را در دعا بکار می‌بریم، بیشتر روشن می‌شویم - دوم قرن‌تین ۴: ۶:
- (آ) شاید نور چراغ بر افکار، احساسات، و اراده ما بتابد.
- (ب) بخش‌های باطنی ما کاملاً توسط خداوند کاوش خواهند شد - مزامیر ۱۳۹: ۲۳-۲۴.
۳. پس از چنین زمانی در دعا، ما حس روشنی و شفافیت داشته و از خدا پر می‌شویم - افسسیان ۵: ۸-۹.

### ۴. «دل خویش را با مراقبت تمام پاس بدار، / زیرا سرچشمه امور حیاتی است» امثال ۴: ۲۳:

- آ. روان خود شخص است، ولی دل [قلب]، آن شخص در عمل است - لوقا ۱: ۶۶؛ ۲: ۱۹، ۵۱؛ اعمال ۱۱: ۲۳؛ افسسیان ۳: ۱۷؛ اول تسالونیکیان ۳: ۱۳:
۱. ما چیزی در درون وجود خود داریم که ما را نمایندگی می‌کند، و این نماینده، همان قلب ماست - لوقا ۶: ۴۵؛ یوحنا ۱۶: ۲۲؛ دوم قرن‌تین ۳: ۱۶.
۲. رابطه ما با خدا در وهله اول به قلب ما بستگی دارد، زیرا قلب همان عضو ابرازکننده ماست که ما بوسیله آن تصمیم می‌گیریم که چیزها را دریافت و یا رد کنیم - اعمال ۸: ۳۷؛ رومیان ۱۰: ۹-۱۰.
۳. گرچه روحمان خالص است، آنچه از روح ما ابراز می‌شود به قلبمان بستگی دارد - دوم تسالونیکیان ۲: ۱۷؛ ۳: ۵.

ب. قلب راه ورود و خروج کل وجودمان است - متی ۱۳: ۱۹، ۱۵: ۱۸-۱۹:

۱. از طریق قلبمان است که وجود واقعی ما ابراز می‌شود چون عبور و مرور وجود ما از طریق قلبمان است - لوقا ۶: ۴۵.

۲. روح ما منشأ وجودمان است، ولی قلب ما گذرگاه و راه عبور و خروج است که از طریق آن، ترافیک در درون وجودمان عبور می‌کند - متی ۱۲: ۳۴-۳۵.

۳. برای اینکه یک مسیحی شایسته باشیم، ما باید روحمان را بکار ببریم و قلب خود را با مراقبت تمام پاس بداریم - امثال ۴: ۲۳.

پ. کلمه عبرانی برای «پاس داشتن» در امثال ۴: ۲۳ به معنای «نگهبانی کردن» است:

۱. ما باید قلبمان را بیش از هر چیز پاس بداریم زیرا سرچشمه امور حیاتی است.

۲. «سرچشمه» در امثال ۴: ۲۳ دلالت دارد بر منابع، چشمه‌ها و نتایج:

(آ) منشأ حیات همان جریان حیات است - یوحنا ۴: ۱۴

(ب) قلب با منابع حیات، چشمه‌های حیات، و نتایج حیات مرتبط است - م. ش. اشعیا ۱۲: ۳.

(پ) سرچشمه و یا چشمه هرآنچه هستیم، یعنی وجود واقعی ما، از قلبمان به بیرون جاری می‌شود

- م. ش. یوحنا ۷: ۳۷-۳۸.

ت. ما قلبمان را توسط مراقبت از آن و رسیدگی کامل به آن در برابر خداوند از راه حیات، پاس می‌داریم؛ ما هرچه بیشتر به قلب خود رسیدگی کنیم، بیشتر آن را پاس می‌داریم - مزامیر ۲۶: ۲؛ ۱۳۹: ۲۳-۲۴؛ امثال ۴: ۲۳؛ رومیان ۸: ۲۷؛ مکاشفه ۲: ۲۳؛ متی ۱۳: ۱۸-۲۳؛ ۵: ۸.

ث. برای اینکه در حیات، برای بنای خدا، رشد کنیم، باید عاشق خداوند بوده، به روحمان توجه کنیم، و دلمان را با مراقبت تمام پاس بداریم تا در مسیر حیات بمانیم - اول پطرس ۱: ۸؛ ۲: ۲، ۵؛ ۳: ۴، ۱۵؛ امثال ۲۱: ۲؛ ۴: ۱۸-۲۳؛ تثنیه ۱۰: ۱۲؛ مرقس ۱۲: ۳۰.

## ۵. «محبت، خطاپوش است» - امثال ۱۰: ۱۲ ب:

آ. «آن که خطایی را می‌پوشاند، محبت را می‌گسترده؛ / آن که مسئله را بازگو می‌کند، میان دوستان خالص جدایی می‌افکند» - ۱۷: ۹.

ب. پوشاندن، محبت کردن است؛ افشا کردن، محبت نیست - یعقوب ۵: ۲۰.

پ. پوشاندن، برکت می‌آورد، ولی افشا کردن، لعنت می‌آورد - پیدایش ۹: ۲۲-۲۷:

۱. کسانی که دیگران را افشا می‌کنند ملعون می‌شوند.

۲. کسانی که گناهان، عیب‌ها و کوتاهی‌های دیگران را می‌پوشانند، نعمت و برکت می‌یابند.

ت. «محبت با همه چیز مدارا می‌کند [همه چیز را می‌پوشاند] (اول قرن‌تین ۱۳: ۱۷)، نه تنها چیزهای خوب بلکه چیزهای بد را نیز:

۱. «ارشدان باید دریابند که در شبانی کردن باید گناهان دیگران را بپوشانند و اشتباهات دیگران را در نظر نگیرند» - گروه‌های سرزنده، ص. ۷۲:

(آ) «هر که عیب‌ها، کوتاهی‌ها و گناهان اعضای کلیسا را افشا کند، صلاحیت ارشدیت را ندارد» - ص. ۷۲.

(ب) «افشا کردن اعضا تحت ارشدیت و یا شبانی ما، صلاحیت ما را باطل می‌سازد» - ص. ۷۲.

۲. ما باید دیگران را بر طبق خدا شبانی کنیم، یعنی با محبتی که همه خطایا را می‌پوشاند - اول پطرس ۵: ۲؛ امثال ۱۰: ۱۲ ب.

ث. «مهمتر از همه، یکدیگر را به شدت محبت کنید، زیرا محبت، انبوه گناهان را می‌پوشاند» - اول پطرس ۴: ۸.